



استعاره‌های مفهومی غم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و بیکره‌ای

وجیهه فرشی^{۱*}

علی افخمی عقدا^۲

آزینا افراشی^۳

غلامحسین کریمی دوستان^۴

چکیده

نگارندگان در مقاله حاضر، به بررسی چگونگی مفهوم‌سازی استعاری حوزه عاطفی غم در پایگاه دادگان زبان فارسی می‌پردازند. برای نیل به این هدف، با استفاده از چندین کلیدواژه مرتبط با حوزه غم و جستجوی آنها در پایگاه دادگان زبان فارسی، ۲۰۹۸ عبارت زبانی پیدا شد که از این تعداد ۵۲۶ عبارت استعاری به دست آمد. سپس این عبارات استعاری با توجه به نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) تبیین شد و نگاشت‌های استعاری آنها (شامل ۵۳۵ استعاره عام و ۲۴۷ استعاره خاص) به دست آمد. نگارندگان، سپس، با توجه به پربسامدترین و متداول‌ترین نگاشت‌های استعاری و پربسامدترین استعاره‌های مفهومی عام و خاص، به این نتیجه دست یافتند که فارسی‌زبانان برای مفهوم‌سازی غم بیشتر از حوزه‌های مبدأ ماده یا شیء، مکان و زمان، جاننداری، ظرف و مظروف، تجربه و بیماری/آسیب فیزیکی استفاده می‌کنند. همچنین، در خلال این پژوهش تعیین گردید که اندامواژه «دل» بیشترین کاربرد را برای بیان و مفهوم‌سازی غم در سخنوران زبان فارسی دارد.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی شناختی، استعاره شناختی، نظریه استعاره مفهومی، نگاشت‌های استعاری، تحلیل بیکره‌بنیاد، حوزه عاطفی غم.

✉ Vajihe.farshi@gmail.com

۱- دکترای زبان‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

✉ aafkhmi@ut.ac.ir

۲- استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

✉ A.afrahi.ling@gmail.com

۳- دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

✉ Gh5karimi@ut.ac.ir

۴- استاد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

۱- مقدمه

تا اندکی پیش از پیدایش نظریه استعاره مفهومی^۱ لیکاف^۲ و جانسون^۳ و انتشار کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*^۴، پژوهشگران به چگونگی کارکرد ذهن و اندیشه و مفهوم‌سازی ذهنی افراد توجهی نشان نمی‌دادند؛ به عبارت دیگر، استعاره در نظریات ادبی کلاسیک، صرفاً موضوعی بلاغی و مرتبط با حوزه زبان تصور می‌شد؛ اما لیکاف و جانسون نشان دادند که استعاره‌ها تنها به حوزه زبان و ادبیات محدود نمی‌شوند؛ بلکه سراسر زندگی روزمره و اندیشه ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ به دیگر بیان، نظام فکری و اندیشگانی ما ماهیتی اساساً استعاری دارد (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳). البته لیکاف و جانسون اولین کسانی نبودند که چنین دیدگاهی را نسبت به استعاره‌ها مطرح کردند. پیش از این دو، یاکوبسن^۵ (۱۹۵۶) و ردی^۶ (۱۹۷۹) نیز در نظریات خود به این موضوع اشاره کرده بودند ولی آنچه نظریه لیکاف و جانسون را از سایرین متمایز می‌کرد، ارائه تحلیلی فراگیر و نظام‌مند با ارائه شواهد گوناگون و عینی در زبان بود.

به دلیل گستردگی نظریه استعاره مفهومی و ارتباط آن با سایر حوزه‌های شناختی، از آن زمان به بعد، دانشمندان به بسط و تکوین این نظریه در حوزه‌های گوناگون پرداختند. یکی از این حوزه‌ها، حوزه عواطف^۷ است. در میان استعاره‌های مفهومی، استعاره‌های مرتبط با حوزه عواطف از اهمیت بالایی در زبان‌شناسی شناختی برخوردارند و توجه بسیاری از زبان‌شناسان مانند افرادی چون یو^۸ (۱۹۹۵)، کووچس^۹ (۲۰۰۰؛ ۲۰۰۸) و ویرژیبتکا^{۱۰} (۲۰۰۹) را به خود جلب کرده‌اند. عواطف به وسیله زبان بیان می‌شوند یا شکل می‌گیرند؛ بنابراین، مطالعه زبان می‌تواند از حقایق بسیاری در باب عواطف انسانی رونمایی کند (کووچس، ۲۰۰۰: ۲). روش‌های پیکره‌بنیاد یکی از روش‌های سودمند و دقیق برای مطالعه عواطف است. البته افرادی مانند گریس^{۱۱} (۲۰۰۶) صراحتاً بیان می‌کنند که هر چند زبان‌شناسی شناختی تجربی و کاربردشناختی است، روش‌های پیکره‌بنیاد در این شاخه نوین زبان‌شناسی چندان مورد استفاده و استقبال قرار نگرفته است؛ این در حالی است که مطالعه حوزه عواطف در ایران، خصوصاً در سال‌های اخیر، اتکای بیشتری بر رویکرد پیکره‌بنیاد داشته است و از این نظر، به روند علمی ممتاز و قابلیت استناد بالایی دست یافته است. مقاله حاضر با رویکرد پیکره‌ای، به چگونگی بیان استعاری حوزه مفهومی غم، یکی از پایه‌ای‌ترین حوزه‌های عاطفی در زبان فارسی می‌پردازد. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های زیر است:

1. Conceptual metaphor theory
2. Lakoff
3. Johnson
4. Metaphors we live by
5. Jakobson
6. Reddy
7. emotions
8. Yu
9. Kovecses
10. Wierzbick
11. Gries

۱) استعاره‌های مفهومی عام برای مفهوم‌سازی استعاری حوزه مفهومی **غم** در زبان فارسی کدامند؟
 ۲) استعاره‌های مفهومی خاص برای مفهوم‌سازی استعاری حوزه مفهومی **غم** در زبان فارسی کدامند؟
 ۳) پربسامدترین حوزه‌های مبدأ برای مفهوم‌سازی حوزه مفهومی **غم** در زبان فارسی کدامند؟
 ۴) سخنوران زبان فارسی برای مفهوم‌سازی **غم**، بیشتر از کدام اندام‌واژه‌ها استفاده می‌کنند؟
 در پژوهش حاضر، نگارندگان برای پاسخگویی به پرسش‌های فوق، با استفاده از جستجوی چند کلیدواژه مرتبط با حوزه عاطفی **غم** در پایگاه دادگان زبان فارسی، عبارتهای استعاری را از غیراستعاری جدا کردند و عبارتهای استعاری (شامل ۵۲۶ تعداد عبارت زبانی) را با توجه به نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد بررسی و تحلیل قرار دادند.

در بخش دوم، به اختصار به پیشینه مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه در میان پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی می‌پردازیم. لازم به ذکر است که به دلیل حجم بالای مطالعات انجام‌شده در زمینه استعاره مفهومی، سیر مطالعات صورت‌گرفته را با توجه به مهم‌ترین آثار پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی بررسی خواهیم کرد. نخست، به پیشینه مطالعات مربوط به استعاره‌های مفهومی و عمدتاً آثار ردی (۱۹۷۹)، لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، لیکاف (۱۹۹۳) و کووچش (۲۰۰۰) می‌پردازیم؛ سپس، مروری بر پیشینه مطالعات استعاره‌های مفهومی و پیکره‌ها (۲۰۰۶) خواهیم داشت. در مرحله بعد، پیشینه مطالعات حوزه عواطف و آثار مهم موجود در این زمینه را معرفی می‌کنیم؛ برخی از این آثار عبارتند از: یو (۱۹۹۵)، ویرژییتکا (۲۰۰۹)، کووچش (۲۰۰۰)؛ در پایان، به معرفی پژوهش‌های مهم صورت‌گرفته بر مفهوم‌سازی استعاره حوزه عاطفی **غم** خواهیم پرداخت که از آن میان می‌توان به آثاری چون کووچش (۲۰۰۰) اشاره کرد.

۲- ملاحظات نظری و پیشینه مطالعات

لیکاف و جانسون در کتاب معروف خود با عنوان *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* (۱۹۸۰) معتقدند که استعاره سازوکاری ذهنی است که سبب می‌شود در قالب آن، تجارب فیزیکی و اجتماعی خود را در جهت فهم موضوعات و مفاهیم بی‌شماری به کار بگیریم. ساختار این استعاره‌ها، پایه درک ما از مفاهیم و تجربیات زندگی هستند و سبب می‌شوند به وسیله آنها بتوانیم مفاهیم انتزاعی مانند حوزه‌های مفاهیم عاطفی از جمله **غم** و **شادی** را درک کنیم. نظریه معاصر استعاره و امادار مطالعات ردی (۱۹۷۹) و طرح نظریه *استعاره مجرا*^۱ از سوی اوست (لیکاف، ۱۹۹۳).

لیکاف (۱۹۹۳) در مقاله خود تحت عنوان *نظریه معاصر استعاره*^۲، ضمن بسط آرای خود درباره نظریه استعاره مفهومی، استعاره مفهومی را این‌گونه تعریف می‌کند: نگاشت^۳ بین قلمروها در نظام مفهومی (نگاشت

1. The Conduit metaphor theory
 2. Contemporary Theory of Metaphor
 3. mapping

از حوزه مبدأ^۱ به حوزه مقصد^۲). برای مثال استعاره شناختی **غم رنگ است**، میان دو حوزه معنایی **غم** (حوزه مفهومی مقصد) و **رنگ** (حوزه مفهومی مبدأ) و در نتیجه میان تک تک مفاهیم آنها ارتباطی نظام‌مند برقرار می‌کند. او در این مقاله همچنین، استعاره عام^۳ و استعاره خاص^۴ را از یکدیگر تفکیک می‌کند. استعاره‌های عام به تعریف او، دربردارنده مفاهیم عام شناختی و همگانی‌اند و در مقابل، استعاره‌های خاص، نوع خاصی از استعاره‌های عام‌اند که به بافت فرهنگی و اجتماعی وابسته‌اند. برای نمونه، استعاره عام و استعاره خاص موجود در عبارت‌های زیر، به ترتیب **غم رنگ است** و **غم سیاهی است**، می‌باشد:

۱. با سیاهی غم دل خود، زندگی را سپری می‌کند.

۲. زندگی برایم تیره و تار شده بود.

لازم به ذکر است که هرچند به گفته کووچش (۲۰۰۰)، برای مفهوم‌سازی **غم** به مثابه **سیاهی** و **تاریکی** تمام زبان‌ها، گرایشی جهانی وجود دارد اما زبانی مانند زبان انگلیسی، علاوه بر رنگ سیاه، رنگ آبی نیز در عبارت‌هایی مانند "feeling blue" و "blue Monday" برای مفهوم‌سازی **غم** در این زبان به کار می‌رود. از این‌رو، استعاره **غم رنگ است**، در سطح عام میان زبان‌های گوناگون، مشترک است اما در سطح خاص، در زبانی مانند زبان انگلیسی، **غم** به مثابه رنگ آبی (و همچنین تیره^۵) و در زبان فارسی به مثابه رنگ سیاه مفهوم‌سازی می‌شود. نتیجه‌ای که می‌توان از این بحث گرفت، این است که استعاره‌ها محصول کاربرد و بافت‌محور و در بسیاری از موارد فرهنگ‌ویژه هستند و پژوهش‌هایی که حول محور آنها صورت می‌گیرد، لزوماً باید مبتنی بر داده‌های واقعی زبان باشد. پیکره‌ها ابزار جستجوی داده‌های واقعی زبانند و از این‌رو، ابزاری مناسب برای تحلیل استعاره‌های مفهومی از جمله استعاره‌های حوزه عواطف‌اند. دینان (۲۰۰۵) در کتاب مهم خود با عنوان *استعاره و زبان‌شناسی پیکره‌ای*^۶ به چند دلیل، استفاده از پیکره‌ها را برای تحلیل‌های زبانی نسبت به بهره‌گیری از شم زبانی ارجح می‌داند: یکی محدود بودن حافظه انسان و دیگری نادرستی شم زبانی انسان در محک داده‌های زبانی (همان، ۸۵). او در بحث نحوه استخراج استعاره‌ها از پیکره، استفاده از واژه‌های حوزه مبدأ را برای جستجوی استعاره‌ها از پیکره و سپس تفکیک عبارت‌های استعاری از غیراستعاری را پیشنهاد می‌دهد و دلیل این امر را این‌گونه بیان می‌کند که کامپیوتر هنوز قادر به تشخیص عبارت‌های استعاری از غیراستعاری نیست (همان، ۹۳). گریس و استفانوویچ (۲۰۰۶) نیز برای استخراج استعاره‌های مفهومی، چند استراتژی مهم را معرفی می‌کنند: یک) جستجوی دستی پیکره‌ها (دو) جستجو بر اساس واژه‌های حوزه مبدأ (سه) جستجو بر حسب واژگان حوزه مقصد (چهار) جستجو بر اساس واژه‌های حوزه مبدأ و حوزه مقصد.

1. source domain
2. target domain
3. generic metaphor
4. specific metaphor
5. E.g. she is in a dark mood.
6. Metaphor and Corpus Linguistics

رویکرد پیکره‌ای نسبت به استعاره‌های مفهومی خصوصاً در سال‌های اخیر، میان پژوهشگران ایرانی طرفداران بسیاری یافته و پیکره‌هایی مهم و جامع به همت متخصصان این حوزه، در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است. پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی یکی از پیکره‌های بنام و مطرح در ایران است که در سال ۱۳۸۴ به همت دکتر مصطفی عاصی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به جهت واکاوی‌های زبان‌شناسانه طراحی و مورد استفاده قرار گرفت. از مطالعات انجام‌گرفته در زمینه استعاره مفهومی با رویکرد پیکره‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: معصومی و کردبچه (۱۳۸۹)، احمدی (۱۳۸۹)، دیلمقانی (۱۳۹۱)، صامت و افراشی (۱۳۹۱) و مولودی (۱۳۸۴).

در زمینه عواطف نیز بسیاری از پژوهشگران غربی و چندین پژوهشگر ایرانی به بحث و مطالعه پرداخته‌اند. از پژوهشگران غربی در زمینه عواطف می‌توان به یو (۱۹۹۵)، آپرسیان^۱ (۱۹۹۷) و ویرژبیتکا (۲۰۰۹) و از پژوهشگران ایرانی به افراشی (۲۰۱۱)، افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۴)، زوروز، افراشی و عاصی (۱۳۹۲)، صراحی و عموزاده (۱۳۹۲)، قوچانی، افراشی و عاصی (۱۳۹۵) و بختیار (۲۰۱۵) اشاره کرد.

از اولین مطالعات صورت‌گرفته بر استعاره مفهومی غم، می‌توان بارسلونا^۲ (۱۹۸۶) اشاره کرد که به معرفی استعاره‌ها و مجازهای مفهومی استعاره غم در زبان انگلیسی می‌پردازد. کووچش (۲۰۰۰، ۲۵-۲۶) نیز با ارجاع به مقاله بارسلونا (۱۹۸۶) و بر پایه داده‌هایی برگرفته از شم زبانی، ۱۴ حوزه مبدأ عام برای استعاره غم در زبان انگلیسی معرفی کرده است. این حوزه‌های مبدأ عبارتند از: پایین بودن، تاریکی، کمبود گرما، کمبود سرزندگی و حیات، مایع درون ظرف، نیروی فیزیکی، نیروی طبیعی، بیماری، دیوانگی، بار، ارگانسیم حیاتی، حیوان در بند، حریف یا رقیب و قدرت و برتری اجتماعی. برخی مطالعات دیگر در این زمینه نیز به بررسی مقابله‌ای استعاره‌های شناختی غم در زبان انگلیسی در مقایسه با سایر زبان‌ها می‌پردازند؛ از نمونه چنین پژوهش‌هایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: لی^۳ (۲۰۱۲) در زبان ویتنامی و بوگاز^۴ در زبان لهستانی. لی حوزه‌های مبدأ مشترک میان زبان ویتنامی و زبان انگلیسی در زمینه مفهوم‌سازی استعاره غم را این موارد معرفی می‌کند: ماده درون ظرف، پایین بودن (مکان)، جاننداری، بیماری، تاریکی و بار. بوگاز نیز حوزه‌های مشترک برای مفهوم‌سازی غم را در زبان انگلیسی و لهستانی را مواردی از قبیل درد فیزیکی، بار، مکان، مشکلات قلبی و مشکلات روانی معرفی می‌کند. میان پژوهشگران فارسی‌زبان نیز مرادی و پیرزادمشاک (۲۰۱۳) به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهوم‌سازی غم در زبان‌های انگلیسی و فارسی پرداخته‌اند. ملکیان و ساسانی (۱۳۹۲)، مفاهیم مرتبط با غم و نشادی در گفتار روزمره را در چهارچوبی شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند.

1. Apresjan, V.
2. Barcelona, A.
3. LY, B.
4. Bogacz, A.

پژوهش حاضر با استفاده از پایگاه دادگان زبان فارسی، به چگونگی بیان استعاری سخنوران زبان فارسی می‌پردازد. حوزه مفهومی غم براساس کووچش (۲۰۰۰) یکی از پایه‌ترین حوزه‌های عاطفی است. ضرورت این پژوهش آن است که مطالعات صورت‌گرفته در زمینه استعاره مفهومی غم، تا آنجا که نگارندگان بررسی کرده‌اند، مبتنی بر داده‌های محدود بوده‌اند؛ این در حالی است که پژوهش حاضر، پیکره‌بنیاد بوده و در نتیجه متکی بر داده‌های واقعی زبان است؛ از این‌رو، نتایج این پژوهش هم به لحاظ کمی و هم کیفی قابلیت استناد بیشتری دارد.

۳- روش پژوهش

در بخش پیشین یعنی پیشینه مطالعات، چهار روش استخراج داده‌ها را به نقل از گریس و استفانوویچ (۲۰۰۶) بیان کردیم. این چهار روش عبارتند از: یک) جستجوی دستی پیکره‌ها (دو جستجو بر اساس واژه‌های حوزه مبدأ سه) جستجو بر حسب واژگان حوزه مقصد چهار) جستجو براساس واژه‌های حوزه مبدأ و حوزه مقصد. در پژوهش حاضر، نگارندگان روش سوم، جستجو بر حسب واژگان حوزه مقصد را برگزیده‌اند. دلیل این انتخاب آن است که روش اول یعنی جستجوی دستی پیکره به دلیل حجم بالا، بسیار زمان‌بر و دشوار می‌نمود. روش جستجو بر حسب واژگان حوزه مقصد، داده‌های مورد نیاز (به تعداد کافی) را برای تحلیل فراهم می‌کرد. بنابراین، برای به دست آوردن کلیدواژه‌های مورد استفاده در این پژوهش، از واژگان حوزه مقصد (شامل غم و معانی مترادف آن مستخرج از فرهنگ واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی (۱۳۷۶) اثر فرج‌الله خداپرستی) استفاده شد. این کلیدواژه‌ها عبارتند از: غم، محنت، حزن، اندوه، تأسف، غصه، ناراحتی و داغ. نگارندگان، با استفاده از جستجوی این هشت کلیدواژه، در پایگاه دادگان زبان فارسی (که در بخش پیشینه معرفی گردید)، ۲۰۹۸ جمله زبان را استخراج کردند؛ لازم به ذکر است که این هشت کلیدواژه در تمام متون موجود در پایگاه دادگان زبان فارسی (شامل مجموعه‌ای از ۱۵۰۰ اثر داستانی، غیرداستانی، فیلم‌نامه، نشریه و روزنامه) مورد جستجو قرار گرفت. نگارندگان در مرحله بعد، جملات استعاری را از غیراستعاری جدا کرده و ۵۲۶ تعداد جمله استعاری به دست آمده را بر اساس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) مورد تحلیل قرار دادند. در تحلیل جملات استعاری به دست آمده، هر جمله را به دو بخش استعاره عام و استعاره خاص تفکیک کردیم. لازم به ذکر است که تمامی جملات استعاری، دارای استعاره عام بودند ولی برخی از آنها (شامل ۲۸۸ تعداد) استعاره خاص نداشتند. برخی از جملات نیز شامل بیش از یک استعاره عام (شامل ۲۶ تعداد) و استعاره خاص (شامل ۷ تعداد) بودند که سبب شد در تحلیل نهایی، ۲۱ نام‌نگاشت مرتبط با استعاره‌های عام و ۲۸ نام‌نگاشت مرتبط با استعاره‌های خاص به دست آید. در جدول یک، نام‌نگاشت‌های استعاره‌های عام و در جدول دو، نام‌نگاشت‌های استعاره‌های خاص حوزه مفهومی غم با ذکر بسامد هر یک از نام‌نگاشت‌ها فهرست شده است. لازم به ذکر است که از میان تعداد کل جملات استخراج شده از پیکره، ۷۰ تعداد آن نیز دربردارنده اندام‌واژه‌های مرتبط با حوزه عاطفی غم بودند که در بخش جداگانه‌ای تحت همین عنوان مورد بررسی قرار گرفتند.

۴- تحلیل داده‌ها

در این قسمت، نتایج تحلیل عبارتهای استعاری به‌دست‌آمده از پیکره مورد بررسی، ارائه می‌شود:

جدول ۱. نام‌نگاشت‌های استعاره‌های عام برای مفهوم‌سازی حوزه عاطفی غم و بسامد آنها

نام‌نگاشت	بسامد	نام‌نگاشت	بسامد
غم ماده است	۱۳۹	غم ماده یا شیء است	۸
غم شیء است	۱۰۵	غم رنگ است	۶
غم مکان است	۷۰	غم مزه است	۶
غم جاندار است	۴۱	غم تاریکی است	۵
غم تجربه است	۲۷	غم صدا است	۴
غم بیماری است	۲۳	غم زمان است	۳
غم نیرو است	۲۳	غم آسیب فیزیکی است	۲
غم ماده درون ظرف است	۲۰	غم بو است	۱
غم پدیده طبیعی است	۱۹	غم کنش است	۱
غم ظرف است	۱۸	غم موجودی ماورا طبیعی است	۱
غم مسیر است	۱۳		

جدول ۲. نام‌نگاشت‌های استعاره‌های خاص برای مفهوم‌سازی حوزه عاطفی غم و بسامد آنها

نام‌نگاشت	بسامد	نام‌نگاشت	بسامد
غم ماده خوراکی است	۸۸	غم حریف مبارزه است	۲
غم بند است	۲۹	غم موسیقی است	۲
غم بار است	۲۶	غم پرنده است	۲
غم گرمای شدید است	۲۰	غم صیاد است	۲
غم ناپاکی یا غبار است	۱۸	غم حیوان است	۲
غم آتش است	۸	غم قفل است	۲
غم دریاست	۷	غم خورشید است	۲
غم ماده سیال است	۶	غم ماده دخانی است	۱
غم تلخی است	۶	غم موجودی ماورا طبیعی است	۱
غم سیاهی است	۴	غم بنا است	۱
غم گیاه است	۴	غم آموزگار است	۱
غم انسان است	۴	غم درد است	۱
غم نیروی طبیعی است	۴	غم زخم است	۱
غم نیروی ویرانگر است	۳	غم ابر است	۱

در ادامه به ذکر مثال برای برخی از این نام‌نگاشت‌ها (اعم از عام و خاص یا هر دو) می‌پردازیم.
 نام‌نگاشت عام **غم شیء است** با بسامد ۱۰۵:
 شادی را منگه می‌کرد و جک میزد زیر غم (نبیره‌های بابا آدم، بهمن فرسی، ۱۳۳۲)
 نام‌نگاشت عام **غم نیرو است** با بسامد ۲۳:
 تلخون را **اندوه سختی فرا گرفت** (تلخون، صمد بهرنگی، ۱۳۴۰)
 نام‌نگاشت عام **غم ظرف است** با بسامد ۱۸:
 به تدریج که نومیدی بر او زور آور می‌شد، عمق بدبختی و غم خود را حس می‌کرد (شوهر آهوخانم، علی محمد افغان، ۱۳۴۰).

نام‌نگاشت عام **غم مسیر است** با بسامد ۱۳:
 به محض اینکه از پله‌های سرسرا سرازیر شد، حضار در همان نگاه اول، آثار یک اندوه ممتد و غم باطنی را در ناصیه وی مشاهده کردند (ده مرد رشید، شاپور آرین‌پور، ۱۳۳۵).
 نام‌نگاشت عام **غم مکان است** و نام‌نگاشت خاص **غم بند است** با بسامد ۲۹:
 سر به سوی آسمان کرد و دعا کرد که از این هم بزرگتر بشود به توفیق خدا و از **غم برهد**.. (مادرم دوباره گریست، ابراهیم یونسی، ۱۳۷۷).

نام‌نگاشت عام **غم تجربه است** و نام‌نگاشت خاص **غم گرمای شدید است** با بسامد ۲۰:
 میخاستم بگویم که **داغ** آنرا همیشه با خود داشته‌ام و خواهم داشت (بوف کور، صادق هدایت، ۱۳۱۵).
 نام‌نگاشت عام **غم پدیده طبیعی است** و نام‌نگاشت خاص **غم آتش است** با بسامد ۸:
 منتظر بود تا خشم و **ناراحتی زن فروکش کند** و آنگاه با زبان پوزش‌خواه به سروقتش برود (شوهر آهوخانم، علی محمد افغان، ۱۳۴۰).

نام‌نگاشت عام **غم رنگ است** و نام‌نگاشت خاص **غم سیاهی است** با بسامد ۴:
 به جای آن **غم سیاهی** آمد و من از تنهایی وحشت کردم (پریچهر، محمد حجازی، ۱۳۳۳).
 در ادامه، حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی **غم** را معرفی می‌کنیم. استخراج حوزه‌های مبدأ در تحلیل استعاره‌های مفهومی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا مشخص می‌کند در یک زبان با بهره‌گیری از کدام مفاهیم، مفهوم‌سازی استعاری صورت می‌گیرد. استخراج نام‌نگاشت‌های عام و خاص در حوزه مفهومی **غم**، این امکان را به وجود می‌آورد تا فهرستی از حوزه‌های مبدأ در قالب جدول شماره سه به دست آوریم.

جدول ۳. حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی غم

حوزه مبدأ	نام‌نگاشت‌های عام	نام‌نگاشت‌های خاص	بسامد
ماده یا شیء	غم ماده است غم شیء است غم ماده یا شیء است	غم ماده خوراکی است غم ناپاکی یا غبار است غم ماده سیال است غم ماده دخانی است	۱۴۷

	غم بار است غم قفل است		
۷۳	غم بنا است غم بند است	غم مکان است	مکان
۴۱	غم حیوان است غم گیاه است غم انسان است غم آموزگار است غم صیاد است غم پرنده است غم حریف مبارزه است	غم جاندار است	جاننداری
۳۸		غم ماده درون ظرف است ^۱ غم ظرف است	ظرف و مظروف
۲۸	غم گرمای شدید است	غم تجربه است غم کنش است	تجربه
۲۵	غم زخم است غم درد است	غم بیماری است غم آسیب فیزیکی است	بیماری و آسیب فیزیکی
۲۳	غم نیروی ویرانگر است غم نیروی طبیعی است	غم نیرو است	نیرو
۱۸	غم ابر است غم آتش است غم دریاست غم خورشید است	غم پدیده طبیعی است	پدیده طبیعی
۱۶	غم موسیقی است غم تلخی است غم سیاهی است	غم صدا است غم بو است غم مزه است غم رنگ است	حواس پنج‌گانه
۱۳		غم مسیر است	مسیر
۵		غم تاریکی است	تاریکی
۳		غم زمان است	زمان
۱		غم موجودی ماوراطبیعی است	موجود ماوراطبیعی

۱. در این نام‌نگاشت در بسیاری از موارد، اندام‌واژه‌هایی مانند دل، سینه و جگر به‌مثابه ظرفی مفهوم‌سازی شده‌اند که غم در آنها به‌مثابه نوعی ماده وجود دارد.

نتایج جدول شماره سه نشان می‌دهد که حوزه مبدأ **ماده یا شیء** با اختلاف بسامد بالا با سایر حوزه‌های مبدأ، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در رده‌های بعد نیز، حوزه مبدأ **مکان، جاننداری و ظرف و منظروف** برای مفهوم‌سازی حوزه عاطفی **غم** از بسامد بالایی برخوردارند. کمترین بسامد نیز به حوزه‌های مبدأ **تاریکی، زمان و موجود ماوراطبیعی** اختصاص دارد.

پیش‌تر بیان کردیم که در خلال این پژوهش، تعداد ۷۰ عبارت استعاری در بردارنده اندام‌واژه‌های مرتبط با حوزه عاطفی **غم** از پایگاه دادگان زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت. در زبان فارسی (و سایر زبان‌های دیگر)، تجربه احساس غم به کمک اندام‌واژه‌های گوناگون و در قالب عبارات استعاری مفهوم‌سازی می‌شود. جدول شماره چهار کاربرد اندام‌واژه‌ها و چگونگی بیان استعاری آنها را برای مفهوم‌سازی استعاره حوزه مفهومی **غم** نشان می‌دهد.

جدول ۴. کاربرد اندام‌واژه‌ها برای مفهوم‌سازی استعاری حوزه عاطفی غم

اندام‌واژه	بسامد	کاربرد استعاری	نمونه متن
دل	۳۰	پر شدن و سنگین شدن دل	دلم پر از غمه
		احساس درد در دل	دلم را به درد آورد
		شکسته شدن دل	دلش شکسته بود
		وارد شدن نیرو بر دل	حزنی دلش را گرفت
		احساس گرما و سوختن دل	دلش کباب می‌شد
چهره/صورت	۱۲	تاریکی و تیرگی چهره/صورت	چهره‌اش از غصه تاریک شده بود
		نشستن گرد و غبار بر چهره/صورت	چهره‌اش را غم گرفته بود
		آذین بستن چهره و صورت	چهره‌اش را به حزن و اندوه باورکردنی آراست
چشم/نگاه	۹	پر شدن چشم/نگاه	اینهمه غم توی چشمان پدرم می‌بینم
قلب	۶	جراحت قلب	قلب مجروح و غمدیده
		پر شدن قلب	آنها غرق در اندوه قلبی با خود می‌گفتند
سینه	۵	بار بر سینه	بار سنگین اندوه را بر سینه احساس کرد
		گرمای در سینه	هنوز داغ از دست دادن نمایندگان خود را در سینه دارند
گلو	۳	وارد شدن نیرو بر گلو	غصه گلوی دخترک را می‌فشرد
		بسته شدن راه گلو	خستگی، غم و دلزدگی راه را بر گلویش می‌بست
دوش (شانه)	۲	بار بر دوش	باری از غم و اندوه بر دوش او سنگینی می‌کند
گونه	۲	قرار داشتن شیئی بر سطح گونه	اندوه و اشک روی گونه‌هایشان بود
جگر	۱	جراحت جگر	جگرش را از غصه خون کرد

چنان‌چه در جدول ۴ می‌بینیم، اندام‌واژه «دل» و «جگر» به ترتیب بیشترین بسامد و کمترین بسامد کاربردی را برای مفهوم‌سازی حوزه عاطفی غم به خود اختصاص داده‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر کوشیدیم تا با بررسی پایگاه دادگان زبان فارسی، به ۴ پرسش زیر پاسخ دهیم:

- (۱) استعاره‌های مفهومی عام برای مفهوم‌سازی استعاری حوزه مفهومی غم در زبان فارسی کدامند؟
- (۲) استعاره‌های مفهومی خاص برای مفهوم‌سازی استعاری حوزه مفهومی غم در زبان فارسی کدامند؟
- (۳) پربسامدترین حوزه‌های مبدأ برای مفهوم‌سازی حوزه مفهومی غم در زبان فارسی کدامند؟
- (۴) سخنوران زبان فارسی برای مفهوم‌سازی غم، بیشتر از کدام اندام‌واژه‌ها استفاده می‌کنند؟

در پاسخ به پرسش یک با توجه به داده‌های جدول یک، ۲۱ نام‌نگاشت عام را برای مفهوم‌سازی استعاره مفهومی غم معرفی کردیم که از میان نام‌نگاشت‌های عام غم ماده است، غم شیء است و غم مکان است، به ترتیب پربسامدترین این استعاره‌ها را تشکیل می‌دهند. بر این اساس به نظر می‌رسد از آنجا که شیء، ماده و مکان به حوزه فضا-مکان تعلق دارند، سخنگویان زبان فارسی در مفهوم‌سازی غم به دانش تجربی خود از فضا-مکان وابسته هستند و ویژگی‌های آن را باز نمود می‌دهند. در جدول دو نیز ۲۸ نام‌نگاشت خاص برای مفهوم‌سازی استعاره مفهومی غم معرفی شد. غم ماده خوراکی است، غم بند است و غم بار است، سه نام‌نگاشت پربسامد این استعاره‌ها هستند. نام‌نگاشت‌های غم بند است و غم بار است، نشان می‌دهد که غم برای فارسی‌زبانان یک احساس منفی و ناخوشایند است که انسان را اسیر خود کرده و باری بر دوش او تحمیل می‌کند و ازین رو انسان در صدد رهایی از آن برمی‌آید. جالب توجه است که دو نام‌نگاشت فوق‌الذکر در میان عواطف منفی همانند ترس، خشم و شرم مشترک هستند و در این عواطف نیز بسامد بالایی دارند (براساس پژوهش‌های صورت گرفته بر روی ترس، خشم و شرم در زبان فارسی به ترتیب در آثار قوچانی، افراشی و عاصی (۱۳۹۵)، تباری و افراشی (۱۳۹۵) و افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۴)). نام‌نگاشت غم ماده خوراکی است نیز به‌عنوان نام‌نگاشت پربسامد دیگر نشان می‌دهد که غم یک دریافت درونی و فردی است؛ همان‌طور که طعم ماده خوراکی تنها برای تجربه‌گر قابل دریافت است؛ به‌عبارت دیگر، غم در این کاربرد احساسی نیست که در نتیجه تعامل اجتماعی پدید آید. با توجه به جدول سه نیز معین گردید که پربسامدترین حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی غم، ماده یا شیء و مکان هستند. غم به‌مثابه ماده یا شیء به‌عنوان پربسامدترین حوزه مبدأ نشان می‌دهد که عواطفی مانند غم در نظر سخنگویان زبان فارسی همانند شیء در دسترس ما انسان‌ها هستند و انسان می‌تواند بر آنها همانند یک شیء کنترل و تسلط داشته باشد و خود ساخته و زاینده دست آدمیان است. با توجه به جدول چهار نیز مشخص شد که اندام‌واژه «دل» و «چهره/صورت» بیشترین کاربرد را برای بیان استعاری غم در پایگاه دادگان زبان فارسی دارند. معرفی

اندام‌واژه‌های مربوط به عواطف، دستاورد مهمی برای شاخه‌ای از معناشناسی دارد که معناشناسی اندام‌واژه‌ها^۱ نامیده می‌شود؛ بنابراین، سخنگویان زبان فارسی بازنمود غم را به «چهره» و «دل» نسبت می‌دهند. ارتباط میان عواطف و پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های فیزولوژیکی و رفتاری بر حرکات و اندام‌واژه‌ها بر طبق گفته صراحی (۱۳۹۲) از نوع مجاز مفهومی^۲ است که در آن تأثیر احساس به جای خود احساس به کار می‌رود. این تأثیر در مورد احساس غم برای سخنگویان زبان فارسی بر دل و چهره بازنمود بیشتری دارد. در نهایت، حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی غم با ۱۳ حوزه مبدأ متعارف کووچش (۲۰۰۰، ۲۵-۲۶) مقایسه شدند.

جدول ۵. مقایسه حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی غم در زبان انگلیسی و فارسی

حوزه‌های متعارف مبدأ استعاره مفهومی غم در کووچش (۲۰۰۰)	حوزه‌های مبدأ استعاره مفهومی غم در پژوهش حاضر
پایین بودن	مکان
تاریکی	تاریکی
سرما	
کمبود سرزندگی و نیروی حیات	بیماری (بیماری، درد و ...)
مایع درون ظرف	ظرف و مظلوف (ماده درون ظرف، ظرف)
نیروی فیزیکی	نیرو (نیرو، نیروی ویرانگر)
نیروی طبیعی	نیرو (نیروی طبیعی)
بیماری	بیماری و آسیب فیزیکی (بیماری، زخم، درد و ..)
دیوانگی	بیماری (بیماری)
بار	ماده یا شیء (بار)
ارگان‌بسم حیاتی	
حیوان در بند	مکان (بند، جاننداری (حیوان)
حریف یا رقیب	جاننداری (حریف مبارزه)
قدرت یا برتری اجتماعی	

در جدول شماره پنج واضح است که میان حوزه‌های معرفی شده از سوی کووچش (۲۰۰۰) و پژوهش حاضر مشترکات بسیاری وجود دارد، هر چند تفاوت‌هایی در رمزگذاری و دسته‌بندی آنان وجود داشته باشد. البته به نظر می‌رسد که در دسته‌بندی کووچش، جایی برای حوزه‌های مبدأ به‌دست‌آمده از این پژوهش همچون مسیبر، ماده یا شیء و زمان وجود ندارد. همچنین، از هیچ کدام از داده‌های استعاره‌ای به‌دست‌آمده

1. Semantics of Body Parts
2. Cognitive metonymy

از این پژوهش، جایی برای سه حوزه‌های مبدأ زبان انگلیسی برای مفهوم‌سازی **غم** یعنی **ارگانسیم حیاتی**، **قدرت یا برتری اجتماعی** و **کمبود گرما** وجود ندارد. جالب توجه است که در داده‌های این پژوهش، در تفاوتی آشکار با حوزه مبدأ **سرما**^۱ که از سوی کووچش (۲۰۰۰) معرفی شده است، حوزه معنایی **گرمای شدید** برای مفهوم‌سازی **غم** پیشنهاد شده است. توجه به این نکته که در زبان انگلیسی در تضادی آشکار با زبان فارسی، **گرما** با مفهوم **شادی** (در تقابل با مفهوم **غم**) پیوند دارد، حائز اهمیت است.

پژوهشگران از مقایسه حوزه‌های مبدأ به دست آمده در این پژوهش با سایر زبان‌ها از جمله زبان ویتنامی (لی، ۲۰۱۲)، زبان لهستانی (بوگاز، ۲۰۱۵) و حوزه‌های مبدأ پیشنهادی کووچش (۲۰۰۰) برای مفهوم‌سازی **غم**، به این نتیجه دست یافتند که چهار حوزه مبدأ **بیماری**، **بار**، **درد فیزیکی** و **مکان** برای مفهوم‌سازی استعاری **غم** در چهار زبان فارسی (بر طبق پژوهش حاضر)، ویتنامی، لهستانی و انگلیسی مشترک است. به نظر می‌رسد سخنگویان زبان‌های مختلف با توجه به تجربیات مشترکی که از آزار جسمانی ناشی از بیماری، درد فیزیکی و تحمل بار در وجود خود احساس می‌کنند، مفهوم‌سازی مشترکی از عواطف منفی از جمله **غم** دارند که سبب پدید آمدن همان احساسات ناخوشایند به لحاظ روحی در آنها می‌شود. در بحث از دیگر حوزه مشترک میان زبان‌های مختلف یعنی **مکان** نیز با توجه به آنچه پیش‌تر بیان کردیم، تعجیبی ندارد که این حوزه به‌عنوان یک حوزه تجربی در دسترس، میان زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به‌طور مشترک برای مفهوم‌سازی عواطفی مانند **غم** به کار رود.

منابع

- احمدی، امیر (۱۳۸۹)، «تشخیص استعاره‌های زبان‌شناختی با استفاده از MIPVUL» در پازند فصلنامه علمی زبان، ش ۲۲ و ۲۳، پاییز و زمستان. ۷-۱۷.
- افراشی، آریتا؛ صامت جوکندان، سید سجاد (۱۳۹۱)، «استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان فارسی: تحلیلی شناختی و پیکره‌بنیاد، شماره ۲۸۰. ۴۲-۵۴.
- افراشی، آریتا؛ مقیمی‌زاده، محمدمهدی (۱۳۹۴)، «استعاره‌های مفهومی شرم در شعر کلاسیک فارسی»، در دست چاپ در مجله علمی پژوهشی زبان‌شناخت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- تباری، فاطمه؛ افراشی، آریتا (۱۳۹۵)، «استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکرد شناختی و پیکره‌ای»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی خشونت کلامی، تهران: نشر نویسه پارسی، ۱۴۳-۱۶۷.
- خداپرستی، فرج‌الله (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، شیراز: دانشنامه فارس.

- دیلمقانی، سمیرا (۱۳۹۱)، «تحول تاریخی استعاره مفهومی در زبان فارسی: مطالعه موردی سمک عیار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- زوروز، مهدیس؛ افراشی، آریتا؛ عاصی، مصطفی (۱۳۹۲)، «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال ۵، شماره ۹، ۴۹-۷۲.
- صراحی، محمدمین؛ عموزاده، محمد (۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه‌ای استعاره‌های خشم در زبان فارسی و انگلیسی»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال ۳، شماره ۶، ۳۹-۶۰.
- طالبی، مهناز؛ افراشی، آریتا؛ حق‌بین، فریده (۱۳۹۵)، «بررسی استعاره خشم در نابینایان مطلق مادرزاد در مقایسه با همتای بینایشان»، مجله زبان‌پژوهی. انتشار آنلاین:
http://jlr.alzahra.ac.ir/article_1861_0.html
- قوچانی، بیتا؛ افراشی، آریتا؛ عاصی، مصطفی (۱۳۹۵)، «استعاره حوزه مفهومی ترس در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی معنائشناسی شناختی، تهران: نشر نویسه پارسی، ۲۰۱-۲۲۶.
- معصومی، علی و کردبچه، مریم (۱۳۸۹)، «استعاره‌های هستی‌شناختی در دست‌نوشته‌های کودکان»، پازند، شماره ۲۲ و ۲۳، ۷۹-۹۸.
- ملکیان، معصومه؛ ساسانی، فرهاد (۱۳۹۲)، «بیان استعاری غم و شادی در گفتار روزمره»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، سال ۳، شماره ۵، ۱۱۳-۱۳۹.
- مولودی، امیرسعید (۱۳۸۴)، «مفهوم‌سازی استعاری احساسات در زبان فارسی: رویکرد شناختی»، رساله دکترای دانشگاه تهران.
- Afrashi, A, (2011), "Shame in Persian: A Cognitive, Cultural perspective" in Emotion, Cognition, Communication conference, Corpus: University of Nicosia and Surbonne.
- Apresjan, V, (1997), "Emotion Metaphors and Cross-Linguistics conceptualization of emotions" in *Cuadernos de Filologia Inglesa*. Vol. 6, No. 12, 179-195.
- Bakhtiar, M, (2015), "Cognitive model of GHEIRAT in Persian" in *Cognitive Linguistic Studies*. Vol. 2, No. 2, 257-288.
- Barcelona, A, (1986). "On the Concept of Depression in American English: A Cognitive approach" in *REVISTA CANARIA DE ESTUDIOS INGLESES*, Vol.12, 7-35.
- Bogacz, A, (2015), "Negative Emotions in English and Polish phraseology: A Cognitive Approach". Phd thesis: University of Rzeszow.
- Deignan, A, (1995), *Collins Cobuild Guides to English 7: Metaphor*. London: Harper Collins.
- Deignan, A, (2005), *Metaphor and Corpus Linguistics: Converging evidence in language and communication research*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publication Company.
- Dirven, R. Goossens, L. Putseys, Y. Vorlat, E, (1982), *The Scene of Linguistic Action and Its Perspectivization by Speak, Talk, Say, And Tell*. Amsterdam, Philadelphia: John Benjamins.
- Evans, v, (2007), *Glossary of Cognitive linguistics*, Edinburgh University press.
- Gries, S. Th, & Stefanowitsch, A, (2006), *corpus-based approaches to Metaphor and Metonymy*. Berlin/ New York: Moutin de Gruyter.

- Jakobson, Roman & M.Halle, (1956), *Fundamentals of Language*, The Hague, Mouton.
- Kovecses, Z, (2000), *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M, (1980), *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, George, (1993), Contemporary theory of metaphor». New York: in Ortony, A. (Ed). *Metaphor and Thought* (2nd Ed.). Cambridge University Press. 202-251.
- Lehrer, A. (1982), *Wine and Conversation*. Bloomington: Indiana University Press.
- LY, BUI KHANH, (2012), "A Study on Cognitive Metaphors of negative emotions in English and Vietnamese". MA thesis in English Language: University of DANANG.
- Moradi, M & Pirzad Moshak, Sh, (2013), "A Comparative and Contrastive study of Sadness Conceptualization in Persian and English" in *English Linguistic Research (ELR)*. Vol. 2, No. 1. 107-112.
- Reddy, M, (1979), "The Conduit Metaphor" in A, Orthony. (ed). *Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tissari H, (2008), *On the concept of sadness: Looking at words in contexts derived from corpora*. In Lewandowska-Tomaszczyk B. (Ed.), *Corpus linguistics, computer tools, and applications: State of the art* (291-308).
- Wen Feng, Li. (2008), "Chou (sadness) in Chinese and English writings: an experimental study" in *Cross-cultural Communication*, Vol. 4, No. 1, 44-51.
- Wierzbicka, A. (2009), "Language and Metalanguage: key issues in emotion research, *Emotion review*. Vol. 1, No. 1, 3-14.
- Yu, N. (1995), "Metaphorical expressions of anger and happiness in Chinese and English" in. *Metaphor and Symbolic Activity*, 10(2), 59-92.